

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



**د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان**

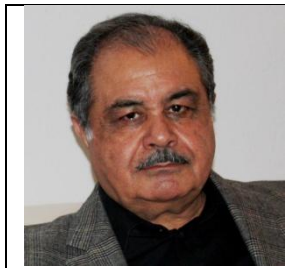
[www.said-afghani.org](http://www.said-afghani.org)

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

**د مولانا سعيد افغاني: آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان ته بڼه راغلاست!**



## داکتر اسدالله «حبيب»

تاریخ نشر: 5 دسمبر 2015 م

# زبان دری از گفتار تا نوشتار

## بخش چهاردهم

**چالش:** این واژه ترکیست از چالشماق به معنای زدو خورد، جدال و تلاش. دومین معنای آن خرامیدن و به ناز و نخوت راه رفتن است.

در گفتار و نوشتار دری کنونی از چندی این واژه رواج یافته مگر به معنای مشکل، دشواری و مانع در برابر روند کارها. می گویند که این اقدام چالشهایی را در قبال دارد. دربرآوردن این هدف با چالشهایی روبه رو خواهیم شد. دشواری، مشکل، مانع و ماندهای آنها بارها برتر از چالش است که هیچ آن چه را در نظر دارند برآورده نمی سازد.

**راه کار:** راه کار را به معنای چاره به کار می برند. نمی توان دریافت که چه انگیزه چنین گرایشی را بار آورده است. حال آن که چاره گروه فراخ واژگان وابسته دارد که از دیرزمان در گفتار و نوشتار به وفرت به کار می رود.

چاره جویی، چاره پذیر و چاره پذیری، چاره نا پذیر و چاره نا پذیری، بیچاره، چاره کردن، چاره داشتن، چاره نداشتن، چاره ساز، چاره سازی، چاره گر.

می چاره گر کلفت زهاد نگرید  
توفان مگر از عهده مذهب بدر آید (بیدل)

بندگان را ز فرمانبرداری چاره نیست (تارخ بیهقی)  
بنال سعدی اگر چاره وصال نیست  
که نیست چاره بیچارگان بجز زاری (سعدی)  
کنون چاره یی هست نزدیک من  
مگو این سخن بر سر انجمن (فردوسی)

**به گفتگو نشستن:** تازه رواج یافته است که به خوانش نشستن<sup>۱</sup> به گفتگو نشستن ، به تماشا نشستن و ماندهای آنرا به کار ببرند. در این مورد منظور آغازکاری است ، که نشستن برای آن حتمی نیست . ممکن است ایستاده گفتگو یا تماشا کنند. چنین عبارت سازی دوران ساختار انشایی زبان است.

**پرداختن:** پرداختن را هم به معنای آغازیدن به کار می برند ، مگر در فرهنگها برای آن معنا های دیگری نوشته اند.

- پرداختن : ادا کردن . گزاردن حقی و دینی و جز آن . تادیه . کارسازی کردن . دادن . واپس دادن .  
- دین خود را پرداختن ؛ وام خویش ادا کردن .

- تهی کردن . خالی کردن . تخلیه . مخلی کردن . تخلیه کردن . پاک کردن . صافی کردن

**درنخست:** درنخست و در اول درست نیست. نخست ، دوم وسوم یا یکم ، دوم وسوم یا اول ، دوم وسوم ، یعنی بدون «در» باید نوشته شوند. نخستین و دومین وسومین هم درنگارش رواج دارند.

**نخستین باده کاندراجام کردند**

**ز چشم مست ساقی وام کردن (فخر عراقی)**

**اول دفتر بنام ایزد دانا**

**صانع و پروردگار حی و توانا**

**آهنگ را تماشا کردن:** آهنگ تماشانمی شود . هر آهنگی تنها شنیده می شود. رواج یافته است که سخنوران تلویزیونها بگویند: توجه شما را به تماشای این آهنگ جلب می کنیم و مقصودشان تماشای کلیپ آهنگ یا نمای تصویری آهنگ است ، نه خود آهنگ ، خود آهنگ دیدنی نیست ، تنها شنیدنی است.

حتا اگر آوازخوان خود حاضر باشد ، بیننده صدای آواز خوان را دیده نمی تواند ، بل که می شنود. باید بگویند که این آهنگ را با صدای فلان بشنوید.

**یت ها و مصدر های جعلی:** یت بخش پسین یا پایاوند یست که با اسمها وصفتها پیوسته مصدر صناعی یا جعلی می سازد ، مانند مالکیت ، مرغوبیت ، انسانیت ، معروفیت ، حریت ، ماهیت و دیگر. یتها هم از عربی به دری رخنه کرده اند و واژگان دوییت ، خوبیت ، برتریت ، افغانیت که از کار برد چنان واژگان باید دوری جست .

من در اینجا سودمند تر می دانم که برابرهایی نسبی آن یتها را با به کارگیری واژه های دری و عربی بیاورم تا اگر بتوان از کار برد آن یتها کناره گرفت.

مشروعیت = سازگاری با شرع ، قانونیت = سازگاری با قانون ، مغلوبیت = شکست خوردگی ، مصروفیت = سرگرمی ، مجبوریت = ناگزیری و ناچاری ، قومیت = پیوند قومی و تعلق قومی ، ملیت = پیوند ملی یا تعلق ملی ، فعالیت = پرکاری ، شفافیت = شفاف بودن ، اسلامیت = مسلمانی ، انسانیت = انسان بودن ، اقلیت = کمتری یا گروه کمتر ، اکثریت = بیشتری یا گروه بیشتر ، موجودیت = موجود بودن ، وجود داشتن ، معافیت = بخشودگی ، توامیت = پیوستگی ، موفقیّت = کامیابی ، ظرفیت = توانایی و گنجایش ، آدمیت = آدم بودن ، مفیدیت = سودمندی ، موثریت = کارایی .

\*\*\*

ادامه دارد

داکتر اسدالله « حبیب »

[www.said-afghani.org](http://www.said-afghani.org) بازگشت به صفحه اصلی